

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی



کوه و چوب و جو نگفت کوه و چوب و جو نگفت

شعر ناب حضرت (هاتف) که (جز اردو نگفت)
جست و جو کردم ز هر جا، هیچکس از او نگفت
از سر لطف و کرم، دیشب (اسیر) مهربان
تلیفون کرد و بغیر از آن گل خوشبو نگفت
با قلم تحریر کردم، روی صفحه کاغذی
تشنه صد ساله را، جز کوثر و مینو نگفت
بس معطر شد فضای خاطر، زان شعر ناب
مشک میبارید و حیف از ناهه آهو نگفت
غنچه های آرزو، بشگفت از نخل وجود
اشک شادی دمبدم گل گفت و از نیلو نگفت
دوختم از اشک حسرت، جامه بر اندام شمع
سوخت سر تا پای ولی، از صورت و گیسو نگفت
ناگهان ابر تعصب ها و جهل ناکسان
خاطرم پُر رعد و طوفان کرد و، ما و تو نگفت

با قلم گفتم که میهن ، از چه رو ویرانه شد
تابِ گفتارش نبود و ، حرفی جز ریشو نگفت
از وطن ، پیر و جوان و مرد و زن آواره شد
قتل و غارت را بغیر از گل بو بو پشمو نگفت
مرمی های رهبری را ، جمله بر ایران فروخت
خونِ ملت را به ساغر ریخت، جز شُب کو نگفت
طالبان چون وارد میدان ، ولاکن گلبدین
رفت در ایران و چیزی را بجز کش کو نگفت
راکت و خمپاره و ، رگبار بارید آنقدر
تا هزاران سالِ دیگر ، هیچکس جمع کو نگفت
پر ز معیوب و یتیم و بیوه زن شد هر طرف
هیچ چیزی ، کشوری ، حتا که هم یونو نگفت
گرچه هیتلر گفت ! اندر کوره ها قومِ یهود
حرفِ دیگر را بجز از دشمن بدخو نگفت
محو شد از صفحه تاریخ ، چنگیزِ جهان
جهلِ طالب فرق خاک و کوه و چوب و جو نگفت
رسمی و جسمی آثارِ وطن بر باد رفت
از درمسال و ، هم از بودا و ، از ویشنو نگفت
انتحار و انفجار ، از افتخارِ مودِ روز
از هنر ، از علم و فرهنگ و تمدن ، بو نگفت
صادرات و ، وارداتِ ملکِ ما ، چلتار و پشم
باشعارِ طالبی جز چرس و تنباکو نگفت
با گذشتِ یک هزار و سیصد و هشتاد و آند
از زقوم و خار گفت ، از سرو از ناجو نگفت
من نمیگویم چه کرده ، طالبان و گلبدین
صفحه تاریخ حیوان هم ، چنین ریشو نگفت
« نعمتا » پارا نمودی ، از گلیمِ خود دراز
توبه باید کرد و منبعد حرفی از پشمو نگفت